

پرونده ویژه #۴۷؛ سواد گردشگری ایرانیان؛

باجناق‌ی سفر نوریم

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی<#۴۷>؛ صوفی نشود صافی تا درنکشد جامی<#۴۷> شعری که اگر شیخ اجل سعدی شیرازی در سال ۱۴۰۰ می زیست از سرودن آن، پرهیز می‌کرد، زیرا سفر در ایام زندگانی این استاد سخن باب نبود، بلکه دید و بازدید، آیین سنتی ایرانیان بود.

به گزارش سایت خبری پرسون، خوانندگان این سطور با مطالعه یادداشت نگارنده، ابرو درهم کشیده و متحیر شوند که چه زمانی، ایام سفر است؟! در سالهای اخیر، در عالم رسانه، قلم‌هایی به نگارش درآمده است تا به مردم اهل دید و بازدید ایران گوشزد کند که بدترین زمان سفر در ایران، ایام نوروز و روزهایی مانند تعطیلات تابستان است که تعطیلات متوالی وجود دارد، کما اینکه این امیدواری بود که به دلیل کرونا و تذکرات متعدد، مردم از سفر در تعطیلات نوروزی پرهیز کنند ولی چه می‌شود کرد که به قول استاد سخن «وین عید نمی‌باشد الا به هر ایامی».

این امیدواری آنچنان دوام نیاورد و با وجود مشکلات اقتصادی و کرونا، درصد قابل توجهی از هم وطنان بارو بندیل خود بسته و به قول زنده یاد «محمدعلی اینانلو» با جناقی به سفرهای نوروزی رفتند.

تعطیلات نوروزی هفته هاست که تمام شده است، ولی تعطیلات تمامی ندارد، اردیبهشت، ماه سفر است و تعطیلات تابستانی، نیز چشم برهم زدنی از راه می‌رسد، با این وجود هم اکنون آمار ابتلا به کرونا بالا رفته، تخت‌های بیمارستانی پر شده است، مسئولان گلابه‌مندند، مردم نیز ناراضی، و در مجموع همه انگشت اتهام به سوی هم دراز می‌کنند، ولی بیاییم به جای پیدا کردن مقصر و بهانه جویی، برنامه ریزی سفرهایمان را درست کنیم.

پس چند لحظه درنگ کرده و با ماشین زمان پلی بزنیم به تاریخ گذشته و نوروزهای دور و در زمان پدر بزرگ‌هایمان، به واقع نوروز ایام دیده بازدید است، نه سفر...

معنی این جمله یعنی چه؟ بسیار ساده است، از زمان تسریع و تسهیل در مسیر، سفرهای دور نیز رایج شد، از طرفی مهاجرت مردم به شهرها نیز مقوله سفر در ایام تعطیلات بلند و متوالی را دامن زد، به طوریکه در نوروزهای قدیم و کهن، مردم دید و بازدید نوروزی می‌رفتند، ولی این دید و بازدید خانه به خانه یا محله به محله و یا در نهایت روستا به روستا بود، ولی وقتی همان روستایی شهرنشین شد و جد و آباد و خودش در تهران و اقوام دیگرش در هزار کیلومتر آن سوی وطن، چشم انتظار شان شد، سفر در تعطیلات طولانی رواج پیدا کرد.

حمل و نقل سریع و آسان نیز به این مسئله دامن زد، حال خوانندگان، برایشان این سوال مطرح می‌شود که مگر این نیست که در اروپا و کشورهایی که کریسمس و تعطیلات جشن سال نو دارند، به تعطیلات می‌روند، چرا آنها از سفر در تعطیلات طولانی مدت پرهیز داده نمی‌شود، جواب بار دیگر ساده ولی تامل انگیز است.

آنها حدود ۳۰۰ سال است که تمرین سفر مسئولانه می‌کنند و با کمک علم و صنعت گردشگری سفر می‌روند، ولی ما ایرانیان همچنان بر مدار سفرهای باجناقی و بستن بار و بندیل و برداشتن پیک نیک و بدون برنامه ریزی و پلن مشخص، راهی هر دیار و آبادی می‌شویم.

اصلا این سوال برایتان پیش آمده که مسیر سفر جزوی از اصل سفر است، در حالیکه ما ایرانیان اغلب مقصد را سفر می‌دانیم کما اینکه ایرانیانی نیز بودند از جمله دکتر محمود حسابی که اگر قصد سفر به جایی مانند مشهد را داشت این مسیر دو سه روزه در نیم قرن پیش را ۱۵ روزه می‌پیمود، زیرا معتقد بود مسیر سفر تهران تا مشهد را باید سفر کرد نه به مقصد مشهد، بنابراین در طول مسیر روز و شب‌ها متوقف و از این مسیر سفر بهره‌ها می‌جست.

از طرفی دیگر سفر قرار است بهداشت سلامت روان آدمی باشد، پس چرا ما ایرانیان یک جمله معروف پس از بازگشت از سفرها داریم «هیچ جا خانه خود آدم نمی‌شود». چون از سفر خسته شدیم، خاطرات تلخ داریم، چون برای سفر برنامه‌ریزی نکردیم، ایام مناسب سفر نمی‌رویم، هزینه‌های سفرهایمان بیش از درآمد ما می‌شود، روحمان در سفر جلا نمی‌گیرد و وقتی روح صفا نبیند جسم نیز می‌رنجد.

چه باید کرد؟ یاد بگیریم، آموزش درست سفر رفتن را بیاموزیم، رسانه «پرسون» نیز با این هدف سعی خواهد داشت علم سواد سفر مسئولانه را به مردم آموزش دهد.

سفر در ایام تعطیلات طولانی مانند نوروز و یا تابستان یعنی مسافر بسیار و خدمات ناکافی، کیفیت پایین و نارضایتی بالا، می‌توان به این لیست دهها مورد منفی دیگر نیز اضافه کرد. بنابراین وقتی عرضه و تقاضا نامنظم شود نتیجه مناسبی نیز حاصل نمی‌شود.

شاید برخی، بار دیگر بهانه بیاورند که فرزند محصل دارند یا مرخصی‌ها محدود است و دهها بهانه دیگر اما وقتی علم سفر رفتن را بیاموزیم تمام این بهانه‌ها با برنامه‌ریزی برطرف می‌شود.

تا این سطح، انگشت انتقاد به سوی سواد پایین مردم در سفر رفتن بود، کمی مسئولان را خطاب قرار دهیم، نهادهای مرتبط با سفر باید علم سفر رفتن را به مردم بیاموزند، علم سفر معطوف به بررسی وضعیت آب و هوا و همراه داشتن زنجیر چرخ در زمستان خلاصه نمی شود. در تاب آوری و پذیرفتن مشقت های مسئولانه سفر معنا پیدا می کند، چند مصداق عینی بیاوریم تا معنای علم سفر مفهوم تر شود.

نخست اینکه سرزمین ایران به دلیل تمدن کهنی که دارد یک کشور فرهنگی است، بنابراین کمی دقت کرده باشید اکثر توریست های خارجی که به ایران می آیند سن به نسبت بالایی دارند، ولی در عین حال از حرفه ای ترین جهانگردان دنیا هستند زیرا در طول عمر خود قبل از اینکه به ایران سفر کنند ۴۰ الی ۵۰ کشور را سفر کردند و ایران را به عنوان یک مقصد بی نظیر فرهنگی انتخاب می کنند.

بنابراین با سختی های سفر به ایران و ضعف های زیرساخت های گردشگری ایران نیز خود را وفق می دهند، یعنی هدف از سفر برای رسیدن به آگاهی بیشتر باعث می شود مشقت سفر به سرزمینی را بپذیرند که هنوز نتوانسته است چشمه هایی بهداشتی خود را در جاده های این سرزمین سر و سامان دهد.

دوم، اخلاق و تاب آوری در سفر؛ موردی که ما ایرانیان با وجود مهمان نوازی گرم مان در این مقوله ضعف های بنیادی داریم، مثلاً وقتی برای سفر از وسیله اتوبوس یا سواری استفاده می کنیم بسیار در انتخاب صندلی سختگیر هستیم، ولی چه خوب است از تجربه عینی سفر جهانگردان حرفه ای به ایران بیاموزیم.

آنها طی سفرهای خود به ایران که حدود ۱۴ روز طول می کشد سعی می کنند وقتی وارد اتوبوس می شوند هر بار بر روی یک صندلی بنشینند و به هیچ عنوان سخت گیری در این زمینه ندارند و مسیر سفر را می خواهند هر روز بر روی یک صندلی به نظاره بنشینند یعنی یک درس خوب تاب آوری در سفر.

البته ناگفته نماند که ما ایرانیان صفت های اخلاقی بسیار خوبی نیز در عالم سفر داریم و بی انصافی است که حداقل یک مورد آن را متذکر نشویم و آن نیز اخلاق گرم و ایجاد فضای صمیمی است که البته گاهی با تعارف های بیش از اندازه، از عرف خارج می شود.

و حال نقش مسئولان؛ تصمیم گیران سیاست های اجتماعی و فرهنگی کشور، خود باید آموزش های سواد سلامت شان ارتقا یابد، مثلاً چرا نزدیک به تعطیلات طولانی در ایام سال، پیش فروش بلیط قطارها صورت می پذیرد، یا هتل ها تخفیف قائل می شوند و بیشتر تسهیلات سفر در ایام نوروز و تابستان مشاهده می شود، به نوعی ماهی به مردم می دهیم ولی ماهی گیری یاد نمی دهیم.

تا قبل از شیوع کرونا، بحث تصادفات نوروزی و حتی تعطیلات تابستانی، همیشه برخط خبرهای حوادث بود، نهادها و مسئولان نیز دومینو وار همدیگر را به کم کاری می نواختند، در حالیکه دریغ از چند ساعت آموزش سواد سفر به خلق خدا و تدابیر تسهیلاتی در ایام خلوت و غیر تعطیلات طولانی برای انجام سفرهای مسئولانه.

بنابراین تشدید شیوع کرونا پس از سفرهای نوروزی فتح بابی شد بار دیگر با تهیه گزارشات و گفت و گو با صاحب نظران، دانش جامعه ایرانی در زمینه صنعت گردشگری و سفر رفتن مسئولانه در سرزمین فرهنگی ایران افزایش یابد.

در نهایت سعی بر این شد که در این یادداشت بر حسب اینکه با سروده ای از استاد سخن سعدی شیرازی که خود اهل سفر و پندهای سفر بود و زادروزش نیز در ماه زیبای اردیبهشت بوده، با نگارش سهل و ممتنع به گوشه ای از اهمیت سواد سفر پرداخته شود، البته نقش حکومت، دولت و مسئولان در افزایش سواد سفر در جامعه ایرانی بسیار حائز اهمیت است.

بر این اساس علم گردشگری در ارتقای سواد سفر آنقدر اثر گذار است که در کلاس های راهنمایان گردشگری یک مثل بسیار معروف رایج است و آن مثل این است: «فرزندان آینده را در کوله پشتی سفرهایتان تربیت کنید».

علی رمضانپور - تورلیدر فرهنگی